

موضعگیری های سلیقوی و تفاوت دیدگاهها وجاهت شهروندان کشور در پرتو واقعیت های موجود گسترش روزافزون مدارس جهادی و مذهبی

آسیب های فرمان های محدود کننده در جامعه ما
چگونگی و نحوه تکوین حوادث در کشور
ضرورت شناخت عقبه حیات اجتماعی
سفر به ناکجا آباد

موضعگیری های سلیقوی و تفاوت دیدگاهها، بمثابة بخش طبیعی واجتناب ناپذیر در روابط انسانی، جوامع و محیط های کاری پنداشته میشوند. این تفاوت ها زمانی رخ می دهد کافراد بر بنیاد تجربیات، ارزش ها، باورها یا منافع شخصی خود، پدیده واحدی را بشکل های متفاوتی تفسیر نموده و در مورد قضاوت مینمایند. تفاوت در نگاه افراد به دنیا، ناشی از عوامل متعددی میباشد که مهمترین آنها عبارتند از: پیشینه فرهنگ، محیط رشد، تربیت خانوادگی، آموزش و فرهنگ جامعه که شکل دهنده اصلی عینک ذهنی ما میباشد. تجربیات شخصی، شکست ها، موفقیت ها و آسیب های گذشته تعیین میکنند که ما در مواجهه با مسایل چه موضعی اتخاذ نماییم ویژگی های شخصی افراد درون گرا، ریسک پذیر یا ریسک گریز و گل نگر و یا جزیی نگر، پدیده ها را کاملن متفاوت تحلیل می کنند. منافع و اولویت ها: در بسیاری از مواقع، موضعگیری افراد مستقیمن باین وا بستگی دارد که یک تصمیم با موفقیت چطور بر منافع شخصی، مالی یا شغلی آنها تأثیر می گذارد. جنبه ها و پهلوهایی مثبت پیامدهای تفاوت دیدگاهها عبارتند از نوآوری و خلاقیت، چه، برخورد ها و دیدگاه های مختلف سبب پیدایش ایده های نو می گردد. رشد فکری و آشنایی با نظریات دیگران، تفکر انتقادی را تقویت میکند. جامعه پویا و تکثر آرا مانع رکود فکری میگردد. جنبه های منفی: انشعاب درگیری و پافشاری متعصبانه روی سلیقه ها.

بر بنیاد شواهد و حقایق انکار ناپذیر، کاملن آشکار و مبرهن گردیده است که موجودیت مواردی، رهبران "طالب" ها را بیش از همه مشوش و نگران نموده، واقعیت هایست که سلطه کنونی را تهدید نموده و بمثابة عامل بازدارنده عملکرد های آنها پنداشته میشود، تهدید های یاد شده در داخل بگونه مشخص آن در محدوده کشور، در حلقه رهبری "طالب" ها جوانه زده است. برخی ها در مجموع حاکمیت کنونی "امارت اسلامی افغانستان" و بویژه بآنچه از افراد خودی در حاکمیت یاد شده که بمنظور دستیابی بمقام و منزلت در کشور علیه همدیگر صرف آرای می نمایند، هشدار داده شده و در صدای ثبت شده که به هیبت الله آخوند زاده نسبت داده میشود، این مسأله گوشزد گردیده است که اختلافات و ضد و نفیض گویی های موجود می تواند اسباب سرنگونی آنها را فراهم نماید. سخنرانی یاد شده که در امتداد ماه جدی سال پار در مدرسه ای واقع در شهر کندهار، خطاب با اعضای "طالب" ها ایراد گردید، آتش شایعات مبنی بر موجودیت اختلاف در سطح بالا و رهبری "طالب" ها را کاز قبل سر زبان ها بود، شعله ورتن نمود. اما رهبری و بخش های فوقانی آنها، از موجودیت اختلافات و ضد و نفیض گویی ها، بویژه در سلسله مراتب "طالب" ها انکار می ورزند. وضعیت اینچنینی، اسباب کنجکاو و وسایل ارتباط جمع را فراهم نموده و در مورد چگونگی تحرکات و نحوه موضعگیری

های آنها تلاشهایی نیز بعمل آمده و در نتیجه با صراحت می توان اظهار نمود که در اهرم قدرت "طالب" ها، دو گروه متمایز از هم شکل گرفته که هر کدام از آنها در مورد اوضاع و چگونگی عملکردهای شان در کشور، دیدگاهها و طرز بر داشت های متفاوتی داشته و بر قابت های میان گروهی و جناحی سرگرم می باشند، از جمله، گروه نخست، کاملن وفادار به آخوندزاده بوده کاز مرکز قدرت در کندهار، در صدد سمت دهی افغانستان با ضوابط سخگیرانه تحت اداره امارت اسلامی می باشند، بمفهوم دیگر، جایی که افغانستان بگونه مجزأ از دنیای مدرن کنونی بوده و شخصیت های مورد اعتماد و وفادار آخوند زاده و چهره های مذهبی مطمئن رهبری "طالب" ها، در رأس ورهبری بخش های کلیدی جابجا شده، حرف اول را زده و در تصمیمگیری های سرنوشت ساز و حیاتی کشور، نقش و سهم عمده ای داشته باشند. گروه دوم، در برگیرنده اعضای قدرتمند "طالب" ها که عمدتن در کابل اخذ موقع نموده و در کنار آنکه در مورد پیروی از تفسیرهای سختگیرانه و دست و پاگیری از اسلام در افغانستان تأکید بعمل میآورند، اما خود، طرفدار و علاقمند تعامل با دنیای خارج بوده، خواهان سروسامان دادن با اقتصاد کشور میباشند، حتا، تداوم آموزش و ادامه تحصیلات فراتر از صنف ششم را برای دختران را که اکنون از آن محروم گردیده اند، لازمی و حتمی می پندارند.

اما پرسشی باین شرح ذهن همه را بخود مشغول نموده که گروه بندی کابل که در برگیرنده اعضای کابینه "طالب" ها، شبه نظامی های با نفوذ و علمای مذهبی که حیثیت و نام و نشانی داشته و از پشتیبانی و حمایت های گسترده هزاران تن از وفاداران "طالب" ها برخوردارند، هیچگاهی، در هیچ خطبه نمازی در مساجد و حتا در سخنرانی های شان، اقتدار آخوند زاده را مورد پرسش قرار نداده اند. آیا وضعیت اینچنینی تداوم حاصل نموده و یا شاهد تغییری در مورد خواهیم بود؟

با در نظر داشت چنین وضعیتی، "طالب" های وفادار به آخوند زاده مدعی اند که رهبرشان (آخوند زاده)، بمثابه حاکم مطلق گروه یاد شده پذیرفته شده که فقط و فقط در برابر خداوند پاسخگو بوده و کسی اصلن سراغ نمی گردد که بتواند شخصیت و مقام و مرتبت نامبرده را مورد سؤال قرار دهد. اما شرایط موجود حاکم در مجموعه "طالب" ها می تواند اصل کشمکش و رقابت ها بین افراد و اشخاص قدرتمند و بانفوذ در کشور را به برخورد و تقابل اراده ها مبدل نماید. همه شاهد بودند که سال پار، رهبر "طالب"، دستور قطع انترنت و ارتباطات تلفونی را ابلاغ نمود که در نتیجه سبب قطع ارتباط کشور عزیز ما با جهان خارج گردید، اما پس از سه روز و بدون ارائه هیچگونه توضیحی، انترنت دوباره وصل گردید. در انکشاف دیگر، بر بنیاد اظهارات افراد و اشخاص آگاه و صاحب نظر، گروه کابل، برخلاف هدایت آخوند زاده، انترنت را دوباره وصل نموده بودند که بازگویی موجودیت و چگونگی ضد و نقیض گویی های موجود در عملکردهای "طالب" ها محسوب می گردد.

برخی هم چنین میپندارند کاز جمله دلایل انتصاب هیبت الله آخوند زاده بمثابه رهبر "طالب" ها، از جمله یکی هم، نوع رویکردش در قبال ایجاد و شکل گیری اجماع بود، چون نامبرده، از تجربه جنگی اصلن بهره ای نبرده بود، بنابراین، سراج الدین حقانی را بمثابه معاونش برگزید. با چگونگی سیر حوادث و نحوه تکوین شرایط، مذاکرات و گفتگوها بین "طالب" ها و نیروهای تحت حمایت ایالات متحده در دوحه ادامه یافته که در نتیجه و با توافق نهایی در امتداد سال ۱۳۹۸، اسباب خروج و فراخواندن مملو از هرج و مرج نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی کشور عزیز ما را فراهم نموده و ورود مجدد "طالب" ها ب قدرت در کابل را در پی داشت. برای جهان خارج، آنها بمثابه جبهه واحدی پنداشته می شدند. بر بنیاد گزارش های منابع معتبر خبری، پس از ب قدرت رسیدن مجدد "طالب" ها، در کادر رهبری آنها در کابل، تغییر و تبدیل هایی صورت گرفته، آخوند زاده به تنهأ مرکز قدرت تبدیل گردیده و در کندهار بمثابه پایگاه قدرت "طالب" ها، اخذ موقع نموده تمامی اشخاص و افراد مورد اعتمادش همراه با ایدئولوگ های تندرو طرفدارش را در کادر رهبری و نظارت بر نیروهای امنیتی کشور و تداوم و پیشبرد عملکردهای مذهبی، جابجا نموده و همچنان عرصه هایی از بخش های کلیدی اقتصادی را نیز به سایر وفادارانش اختصاص داد.

یکی از جمله افراد سابق "طالب" ها که بعدها در دولت تحت حمایت ایالات متحده در کشور بایفای وظیفه مبادرت ورزید، اظهار داشته و متذکر گردید که از همان اول امر، آخوند زاده از امکانات و فرصت های لازمی برخوردار نبود تا با اقدامات مورد نظرش مبادرت ورزد، اما بمجرد ب قدرت رسیدن، در صدد شکل بندی و تشکل جناح و گروه قومی مربوط بخودش بود تا حلقه وفادارانش را بدورش بهم فشرده نموده و به گسترش ساحه نفوذش همت گماشت. اما با وجود جابجایی های طرفداران نامبرده در کابینه، آنهایی که در کابل، بمثابه "گروه کابل" متشکل گردیده اند، بیش از پیش به تحکیم مواضع خود شان تلاش ورزیدند.

پس از ب قدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در کشور، فرمان هایی از مرکز استقرار آخوند زاده، بدون شور و مشوره با

وزرای "طالب" ها در کابل و همچنان با عدم توجه به تطبیق عملی و عده هایی که قبل از بقدرت رسیدن آنها، از جمله حق دسترسی دختران بآموزش و تعلیم و تربیه، این واقعیت مبرهن گردید که مسأله ممنوعیت آموزش دختران و ممنوعیت کار و اشتغال بانوان کشور، یکی از جمله عوامل و انگیزه های اصلی تنش بین گروه های مستقر در کابل و کندهار پنداشته می شود. همچنان بر بنیاد برخی از گزارش های منابع آگاه، آخوند زاده در مقایسه بامدت زمان کارش بمتابۀ قاضی در دادگاه های شریعت "طالب" ها در دهۀ ۱۳۶۸ خورشیدی، در باور هایش سختگیر تر از قبل شده است.

در مورد چگونگی های وضع محدودیت در قبایل حقوق و آزادی های بانوان کشور توسط "طالب" ها باید متذکر گردید که در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، پس از تصرف مجدد قدرت توسط "طالب" ها، مدارس دختران بالاتر از ۱۲ سال، بازگشایی نشده و "طالب" ها با وجود وعده هایی مبنی بر بازگشایی مراجع تحصیلی برای دختران، مراجع یادشده، همچنان تعطیل می باشند. در امتداد مدت زمان یادشده، به بانوان کارمند و شاغل در اداره های دولتی گوشزد گردید که در چهار دیواری منزل های شان باقی مانده و اما باین هم بسنده نکرده و در کنار آن، در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی به محدود نمودن فعالیت های بانوان شاغل در مناصب دولتی اقدام نموده و در امتداد ماه قوس سال یادشده دستور دادند که بانوان در انجام سفر بیش از ۷۲ کیلومتری، با یکی از خویشاوندان نزدیک مردشان باید همراه باشند. در عین حال، آخوند زاده بانتقال و جابجایی بخش های کلیدی به کندهار مبادرت ورزید. در کنار سایر مسایل مطرح، بخش توزیع سلاح و مهمات که قبل تحت اداره و مسؤولیت معاونان سابقش (حقانی و یعقوب) قرار داشت، نیز شامل این انتقالات گردید. در گزارش گروه نظارتی سازمان ملل، در امتداد ماه قوس سال پار، از این مسأله تذکر بعمل آمده که "تحکیم قدرت آخوند زاده همچنین در برگیرنده افزایش مداوم نیروها و قوهای امنیتی تحت نظارت مستقیم کندهار" می باشد. همچنان گزارش هایی حاکی از آنست که آخوند زاده بدون اطلاع بسیاری از وزرا در کابل، دساتیر مستقیمی به تمامی واحد های پولیس محلی صادر می نماید. تحلیل گران چنین استدلال می نمایند که قدرت واقعی، بگونه گلی، به کندهار منتقل شده است، واقعیتی که ذبیح الله مجاهد، سخنگوی "طالب" ها، در مصاحبه هایش، از اظهار آن بگونه ای طفره می رود. همچنان مجاهد افزود که از منظر شریعت، آخوند زاده از قدرت مطلق برخوردار بوده و به بمنظور جلوگیری از تفرقه، تصمیم های نامبرده، قطعی و لازم الاجرا پنداشته می شود.

در میان "گروه کابل"، نارضایتی ها رو ب افزایش بوده و در جانب مقابل، اتحاد ها نیز در شرف تقویت می باشد. تحلیلگر دیگری متذکر گردید که "گروه کابل" در برگیرنده افرادی می باشد که دنیا دیده بوده و متیقن اند که حاکمیت کنونی در کشور با عملکردها و طرز دید منحصر بفرد کنونی، اصل نمی تواند بیش از این دوام بیاورد. "گروه کابل" آرزومند موجودیت افغانستانی می باشند که الگوی کشورهای خلیج را تعقیب نماید.

در کنار سایر مسایل، معضل عمده ای که موجب نگرانی آنها میگردد، از جمله یکی هم تمرکز قدرت در کندهار و چگونگی اجرای قوانین و ضابطه های مربوط به حجاب، محدودیت های وضع شده در قبایل آموزش و اشتغال دختران و بانوان کشور، نحوه تعامل "طالب" ها با جامعه بین المللی، محسوب می گردد.

"گروه کابل"، بمتابۀ گروه میانه روشناخته نمی شوند، اما در عوض، شهروندان کشور، آنها را بگونه ای "عملگرا" پنداشته که بصورت غیر رسمی توسط ملأ برادر، از بنیادگذاران "طالب" ها، رهبری گردیده و فعالیت های شان سمت و سو داده می شود. اما، تغییر مواضع "گروه کابل"، بمفهوم عام کلمه، از کسی پوشیده و پنهان نمی باشد. یکتا از تحلیل گران مسایل کشور ما متذکر گردید که: "بیاد می آوریم که رهبران طالب های مستقر در کابل، تلویزیون ها را می شکستند، اما اکنون خودشان در تلویزیون ها ظاهر شده و حضور می یابند، آنها، بویژه در شرایط و وضعیت حاضر، قدرت و توان وسایل ارتباط جمعی را درک می نمایند."

اما هیچکسی در تغییر مواضع و موقفش، مؤثر تر و موفق تر از سراج الدین حقانی نبوده است. توانایی نامبرده در امر فرار از دستگیری، در حالی که شبکه منتسب به نامبرده، به برخی از مرگبارترین و پیچیده ترین عملیات در جنگ علیه نظامیان امریکایی، از جمله بمب گذاری ها در امتداد سال ۱۳۹۵ خورشیدی در نزدیک سفارت آلمان در کابل که در نتیجه آن بیش از ۹۰ تن از شهروندان غیر نظامی کشور را بخاک و خون کشاند، متهم می باشند. جایزه بر سر سراج الدین حقانی که تحت تعقیب اف. بی. آی. قرار داشت، در امتداد سال پارلغو گردید، اما تنها چند ماه پس از آن، اف. بی. آی، بگونه بی سرو صدا جایزه ۱۰ میلیون دلاری را بر سر او تعیین نمود.

اما با وجود اینهمه، تحلیلگران و دست اندرکاران امور مربوط بکشور ما چنین می پندارند که اقدام آشکار علیه رهبر "طالب" ها (آخوند زاده) بعید بنظر می رسد. بادر نظر داشت واقعیت های موجود، اقدامات تلافی جویانه، شورش ها

و تداوم مخاصمت ها در کشور ما غیر قابل تصور تلقی می گردد. یک تن از اعضای سابق "طالب" ها به خبرنگاران توضیح داد کاصل اطاعت از آخوند زاده، واجب محسوب می گردد. یکی از جمله افراد آگاه و تحلیل گر مسائل مربوط به کشور ما اظهار نمود که "گروه کابل" تصمیم اتخاذ نموده است تا: پیامی را هم بجامعه بین المللی و هم به شهروندان افغانستان بفرستد که در آن از این واقعیت تذکر بعمل آمده باشد که: "ما از نگرانی های شما آگاه می باشیم، اما چه کاری از دست ما برمی آید؟"

سخنگوی "طالب" ها به خبرنگاریکی از شبکه های تلویزیونی برون مرزی کشور توضیح داد که در قبال اینترنت بی اعتماد بوده و معتقد است که محتوای آن خلاف آموزه ها و تعالیم اسلامی می باشد، اما "گروه کابل" معتقدند که یک کشور مدرن، بویژه در شرایط حاضر، بدون آن نمی تواند بحیثیتش ادامه دهد. قابل یاددهانی پنداشته می شود که دستور قطع اینترنت، از جانب رهبر "طالب" ها، ابتدا در محلات و ولایت های تحت اداره و نظارت متحدان آخوندزاده آغاز گردیده و پس از آن بر سراسر کشور گسترش یافت. خلاصه اینکه، قدرتمندترین و بانفوذ ترین وزرای کابل گرد هم آمده و ملأ حسن آخوند، نخست وزیر مستقر در کابل را متقاعد نمودند تا دستور فعال گردیدن مجدد اینترنت را بدهد. اما مهمترین مزایای همه موارد، آن اینکه در امتداد چند روزی، گویی آنچه آخوند زاده که قبلاً در سخنرانی اش بآن اشاره نموده بود، بوقوع پیوست و آن اینکه، عوامل داخلی، اتحاد "طالب" ها را بگونه ای متزلزل خواهد نمود. اما تصمیم بمنظور لغو دستور یادشده، بسیاری ها، از جمله هواداران "گروه کابل" را بگونه ای غافلگیر نمود. در عین حال، بسیاری از کسانی که قبلاً، بگونه اشکاری نامبرده را با مشکل مواجه نمودند، بگونه ای بهای آنرا پرداختند. در امتداد سال ۱۴۰۳ خورشیدی، معاون وقت وزیر امور خارجه، بویژه پس از هشدارهای علنی مبنی بر اینکه رهبری "طالب" ها با ارتکاب بیعدالتی در قبال ۲۰ میلیون تن از شهروندان کشور (اشاره به ممنوعیت تحصیل دختران و تحدید آزادی های بانوان کشور)، ناگزیر برقرار از کشور گردید. همچنان ناظران سازمان ملل، بدو تن دیگر از شهروندان کشور اشاره مینماید که پس از زیر سؤال بردن احکام آخوندزاده در مورد آموزش دختران کشور در امتداد ماه های اسد و سنبله سال ۱۴۰۴ خورشیدی، دستگیر و زندانی گردیدند. اما شواهدی گویای این واقعیت میباشند که شخص آخوند زاده و متحدان او در تلاشند تا شخصیت هایی مانند حقانی را که علیرغم انتقادهای علنی از چگونگی تحکیم قدرت و صلاحیت های رهبر، در کنارش نگهدارد. با اینحال، بگونه فشرده ای، تغییر موضع و نحوه گفتار و چگونگی عملکرد و نادیده گرفتن دستور و هدایت رهبر، در نوع خود بمثابه اقدام دیگری بحساب می آید.

در کنار سایر مسائل و تحرکات موجود در کشور، یک منبع نزدیک به "گروه کابل" اظهار نمود که تعدادی از وزرا بآرا می و بدون سروصدایی بیرکنار گردیده و یا تنزیل رتبه خواهد نمود. در وضعیت اینچنینی، منابعی اظهار نموده و خاطر نشان نمودند که ممکن رهبر "طالب" ها بدلیل هرأس از مخالفت های اینچنینی، عقب نشینی را پیشه کرده باشد. اما جریان حوادث، این واقعیت را عملن اثبات نمود که هیچ موردی دستخوش تغییری نگردیده است. در بخشی از نامه شورای امنیت سازمان ملل آمده است که برخی از کشورهای عضو، اصل موجودیت اختلافات بین رهبران کابل و کندهار را کم اهمیت جلوه داده و آنرا شبیه یک اختلاف نظر خانوادگی تعبیر نموده اند که در تغییر او ضاع موجود در کشور اصلن مؤثر نبوده، بلکه رهبران ارشد در موفقیت طرح "طالب" ها سرمایه گذاری نموده اند. سخنگوی "طالب" ها در اوایل ماه جدی سال ۱۴۰۵ خورشیدی متذکر گردید که: "ما هرگز اجازه نخواهیم داد تا دچار تفرقه شویم، همه مقام های رهبری بخوبی آگاهند که تفرقه می تواند برای کشور مضر باشد که از نظر مذهبی ممنوع بوده و حرام پنداشته می شود."

با اینحال، نامبرده همچنان اذعان نمود که اختلاف نظر میان اعضای "طالب" ها وجود دارد، اما آنرا بمثابه "اختلاف نظر در یک خانواده" همطراز شمرد. در ماه های پایانی سال پار، بنظر می رسد که اختلافات یادشده، یکبار دیگر چهره نمایی می نماید.

در پایان نبشته حاضر، بمثابه حسن اختتام و نتیجه گیری، طرح این پرسش با تمام اهمیت آن قابل یاددهانی پنداشته می شود که آیا سال روان، فرصتی خواهد بود تا "گروه کابل" بمنظور ایجاد تغییرات پایدار با معنا برای شهروندان کشور بگونه مجموعی، با اقداماتی متوسل گردد که جای سؤال دارد. پرسش یادشده و اختلاف نظر آشکار، بویژه در رده های بالایی و فوقانی امارت همچنان پایرجا بوده و همه باین پرسش بحث برانگیز مواجه می باشند که آیا حرف ها و گفتار ها در عمل تطبیق میگرد یا خیر؟ اما "موضعگیری های سلیقوی و تفاوت دیدگاه"، بمفهوم وسیع کلمه، نشاندهنده این واقعیت مسلم پنداشته می شود که اختلافات یادشده، بمثابه اجزای طبیعی و جدایی ناپذیر جوا مع بشری بحساب می آیند که می توانند هم بمثابه عامل رشد بوده و هم سبب ایجاد و پیدایش موانع و مشکلات گردند.

بگونه خلاصه می توان نتایج اصلی بحث یادشده را در چند بند کلیدی بشرح ذیل خلاصه نمود:

- نسبی بودن حقیقت در مسایل سلیقه یی، فرهنگی و هنری هیچگونه "معیار مطلق" یا "پاسخ کاملن درست" وجود ندا رد، ارزش گذاشتن ها مستقیم به پیشینه تجربیات و باورهای فردی وابسته می باشد؛
- پویایی ورشد جامعه، چه، تفاوت دیدگاهها اگر با رویکرد سازنده مواجه گردد، پویایی فکری ایجاد می نماید، این تنوع، مانع از رکود در جامعه گردیده و نوآوری، خلاقیت و راه حل های جامع تری را به همراه دارد؛
- مرز میان پویایی و بحران، تفاوت دیدگاهها زمانی بیک معضل تبدیل می گردد که با تعصب، عدم تحمل دیگران و اصرار بر تحمیل نظر شخصی همراه باشد. در حالت اینچنینی، سلیقه شخصی جای منطق را گرفته و بدرگیری منجر می گردد؛
- اهمیت کلیدی تفکر انتقادی و همدلی، پذیرش تفاوت ها نیازمند تقویت مهارت های ارتباطی، گوش دادن فعال و تلاش بمنظور درک درست جهان از زاویه دید دیگران (همدلی) می باشد.

در نهایت امر، تفاوت دیدگاهها و موضعگیری های سلیقوی، در صورتی بمثابة دارایی های ارزشمند یک جامعه محسوب می گردد که هدف آن، حذف اختلافات بوده نه مدیریت آن. بپذیرش این واقعیت که انسان ها بگونه متفا وت فکری نمایند، میتوان با در نظر داشت موجودیت تفاوت ها بمثابة پلی بمنظور تکامل فکری و همزیستی مسالمت آمیز نیز استفاده بعمل آید.

یکشنبه ۲۲ ماه سنبله سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۱۳ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۶ ترسایی